

بررسی رابطه بین انتظارات حاکمیت از پلیس با رویکرد پلیس

جامعه‌محور

علی‌اکبر قهرمانی¹

از صفحه 91 تا 114

تاریخ دریافت: 92/02/17

تاریخ پذیرش: 92/07/14

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین انتظارات حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران از پلیس با رویکرد جامعه‌محوری و تعیین شاخص‌های آن صورت گرفته است. پژوهش حاضر با توجه به اهداف آن از نظر نوع تحقیق، کاربردی و از حیث روش، توصیفی - تحلیلی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق شامل مدیران سطح عالی ناجا است و ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق، پرسش‌نامه محقق ساخته بوده که روایی آن مورد تایید صاحب‌نظران قرار گرفته و سطح پایایی آن نیز با استفاده از آلفای کرونباخ به میزان 86/85 تعیین شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین انتظارات حاکمیت از پلیس با رویکرد جامعه‌محوری پلیس ارتباط معناداری وجود دارد و بر آن نیز تأثیرگذار است. همچنین نتایج حاکی از آن است که شاخص‌های ارتقای احساس امنیت عمومی، اجرای یکسان قوانین در جامعه و مدیریت درست بحران‌های اجتماعی، بیش از 74 درصد در سطح خیلی زیاد ارزیابی شده و سطح معناداری این شاخص‌ها و سایر شاخص‌های مربوط به انتظارات حاکمیت از پلیس نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها

انتظارات، حاکمیت، نیروی انتظامی، پلیس جامعه‌محور، امنیت، احساس امنیت.

1 - استادیار مدیریت دولتی دانشگاه علوم انتظامی امین (Aliakbar.ghahremani@gmail.com).



مقدمه

پلیس از جمله سازمان‌های اجتماعی بی‌بدیلی است که نوع نگاه و رویکرد رهبری و مدیریت آن در اداره امور پلیسی در جامعه و همچنین کارکردهای ساختاری و توانمندی‌های مأموران در ابعاد مختلف، نقش و تأثیر گسترده‌ای در کیفیت زندگی مردم در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایفا می‌کند و تحقق این امر خطیر منوط به این است که رهبران پلیس، این سازمان را در مسیر تغییر و تحول و بازسازی و مهندسی مجدد فرایندهای کاری قرار دهند و تمام تلاش‌ها در این جهت متمرکز شود و نه تنها هم‌گام با تحولات پیچیده و پی‌درپی که محیط ما را احاطه کرده است، بلکه ایجاب می‌کند، به لحاظ مسئولیت‌سنجینی که قانون و جامعه در برقراری حفظ نظم و امنیت، به عهده پلیس نهاده است، با برنامه‌ریزی علمی و عملی و درک درست از مأموریت‌های بسیار مهم و متنوع و همچنین شناخت همه جانبه از محیط بیرونی سازمان در عرصه‌های مختلف، بتواند جامعه را مدیریت کند و خدمات‌رسانی به آحاد مردم را تسهیل بخشیده و امور پلیسی در جامعه را سامان دهد. چنانچه پلیس بخواهد در این مأموریت‌ها، موفقیت و توسعه پایدار داشته باشد، می‌بایست از قالب‌های سنتی خارج شده و با دیدی نو و همه جانبه به محیط درونی و بیرونی سازمان بنگرد و به قدرت، جایگاه و نقش مردم در عملیاتی شدن مأموریت‌های خود، باور داشته و در محاسبات و برنامه‌ریزی‌ها و برآوردها، همواره مردم و جامعه را جزء مؤلفه‌های مهم، مدنظر قرار دهد.

برای اینکه این امر مهم تحقق پیدا کند، باید جامعه را با همه ویژگی‌ها، خصوصیات و انتظارات از پلیس، به شیوه علمی مورد بررسی قرار داد. با مردم بودن، در دل اجتماع حضور معنادار داشتن و با دغدغه‌های مردم زندگی کردن سخت است، اما وقتی پلیس بداند که در مدیریت کشور، کیفیت و ساماندهی زندگی مردم تأثیرگذار است، کارکردن برای افراد این سازمان ارزش بیشتری پیدا می‌کند. چه چیز مهم‌تر از این که سازمانی مانند نیروی انتظامی که نماد مدیریت کشور است، این وظیفه مهم و سنگین را بر عهده گرفته است. اما، زمانی پلیس می‌تواند خادم مردم و کشور باشد که عاملیت آن باعث نشود که وجهه خادمیتش کم رنگ شده و چهره زور و قدرت سخت آن برجسته شود. این مفاهیم وقتی معنا و مفهوم پیدا می‌کند که پلیس نیم‌نگاهی به تغییر و تحولات در سطح داخلی و فراملی داشته باشد.

یکی از مفاهیمی که در حوزه علوم پلیسی، روز به روز توسعه یافته و مفاهیم جدیدتری از آن ارائه شده، رویکرد پلیس جامعه‌محور است. این مفهوم عبارت است از این‌که، پلیس برای اداره امور پلیسی و مدیریت جامعه، از سرمایه‌های اجتماعی و سایر منابع که مشارکت و نظارت مردم در امور پلیسی از بارزترین و شاخص‌ترین نمادهای آن به حساب می‌آید، بهره بگیرد.

همان‌طور که اشاره شد، موفقیت پلیس نیز متأثر از چگونگی روبه‌رو شدن با این تحولات و تعامل با جامعه، توجه به تحولات و فرصت تلقی کردن آن‌ها است. وجود نیروی انتظامی باید احساس امنیت را در آحاد مردم به وجود آورد. نیروی انتظامی به عنوان خدمتگذار و امین مردم باید از اقتدار کامل و قانونی برخوردار باشد تا آحاد ملت احساس امنیت کنند.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) (1385) می‌فرمایند؛ «پلیس در واقع مظهر اقتدار ملی است که در دولت متجلی است، اگر پلیس بتواند با قدرت روحی‌اش، با اراده‌اش، با توانایی علمی‌اش، با پیگیری‌اش و با مناعتش بر متخلف غالب بیاید، مردم احساس عزت می‌کنند. نیروی انتظامی علاوه بر اقتدار ظاهری که باید به دور از خشونت و تندخویی باشد، باید با برقراری ارتباط صمیمی با مردم، اقتدار معنوی را بیش از پیش تقویت کند.» (ص 228-226). اقتدار فراوان اداره امور پلیس در صحنه زندگی مردم مستلزم آن است که مأموران پلیس، غلبه کننده خوبی‌ها بر بدی‌ها باشند (میلر و هس، 1385: 141).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) (1385) همچنین می‌فرمایند؛ «نیروهای انتظامی که به طور دائم با مردم سروکار دارند، می‌توانند هم مظهر عطف و محبت نظام باشند و هم مظهر تدبیر و مدیریت آن، این دو عامل را در کنار هم رعایت کنید. حرکات و تصرفات شما هم باید نشان دهنده عقل و تدبیر و مدیریت نظام باشد (در اسرع وقت مجرم دستگیر شود). و هم باید مظهر عطف و ترحم و محبت و داد. معلوم باشد که مأمور دولتی با کسی نظر شخصی و عناد ندارد (ص 230)».

هدف پلیس جامعه‌محور، رضایت جامعه و مردم بر مبنای منافع جامعه است و شرط لازم برای رسیدن به یک پلیس جامعه‌محور، اقتدار و انضباط است. یک پلیس جامعه‌محور باید ارتباط منظم و همه جانبه با مردم داشته باشد. پلیس جامعه‌محور یا پلیس اجتماعی باید سازمانی باشد که مطالبات مردم را ارزیابی کند و نسبت به آن مطالبات پاسخگو باشد، نتایج



اقدامات خود را مجدداً ارزیابی و رفتار خود را اصلاح کند، این پلیس، امین و اهل مدارا با مردم خواهد بود (احمدی مقدم، 1384: 74).

دو رویکرد عمده در مدیریت امور پلیس وجود دارد که عبارت‌اند از؛ رویکرد سنتی (واکنشی) و رویکرد پلیس جامعه‌محور (بازدارندگی). ارائه خدمات پلیس در جوامع مختلف با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، ارزشی و ساختار حکومت‌ها از یک شیوه واحد و جهان شمول و نمونه پذیرفته شده‌ای پیروی نمی‌کند. با این وجود با توجه به تحولات وسیعی که در عرصه‌های مختلف در سطح جهان به وقوع پیوسته است، سازمان و واحدهای مختلف پلیسی نیز دستخوش اصلاحات و تغییر و تحول قرار گرفته‌اند.

وظیفه پلیس، اجرای قانون و خدمت به مردم است. نیروی انتظامی به عنوان نماد بخش وسیعی از توان اجرایی نظام محسوب می‌شود. تا جایی که مقام معظم رهبری بیان می‌دارند؛ «نیروی انتظامی مظهر تدبیر و مدیریت نظام است.» که مؤلف است از وقوع جرم و بی‌نظمی پیشگیری کرده و قوانین مصوبه ابلاغی را اجرا کند. با توجه به اختیارات، نقش و جایگاه پلیس در مدیریت کشور و جامعه، انتظار می‌رود پلیس با بهره‌مندی از این اختیارات، مقررات را در سطح جامعه و حتی بر خلاف میل بعضی از افراد اعمال کند. همان‌طور که اشاره شد، وظیفه اصلی و ذاتی پلیس، اجرای قانون و خدمت به مردم است و چون نسبت به سایر سازمان‌ها و مردم از موقعیت، قدرت و اقتدار فوق‌العاده‌ای برخوردار است، بنابراین می‌بایست وظایف خود را در چارچوب یک منش و رویکرد مدیریتی مناسب و هماهنگ با فرهنگ و ارزش‌های جامعه ایرانی و تحولات داخلی و خارجی پیش‌روی خود که روزبه‌روز گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شوند، اتخاذ کند. برخورداری از قدرت مدیریت و رهبری مؤثر، منش اخلاقی و رفتار انسانی، پلیس را به عنوان نیروی مقتدر نظام و جامعه، در جایگاهی قرار می‌دهد که بتواند نظم و امنیت عمومی، آرامش، آسایش و کیفیت زندگی مردم را تأمین و تضمین کند.

خاستگاه اجتماعی و قانونی نیروی انتظامی به گونه‌ای است که مأموران اجرایی پلیس ناگزیرند نقش رهبری انتظامی در جامعه را بر عهده بگیرند. افسر پلیس در خط مقدم مأموریت در صحنه اجتماع، به عنوان مسئولی رسمی، بی‌وقفه، پی‌درپی و به طور مستمر با تعداد بی‌شماری از شهروندان ارتباط چهره به چهره و مستقیم دارد و از اختیار عمل گسترده‌ای برخوردار است. همین خاستگاه باعث شده که انتظارات مردم از پلیس، روزبه‌روز

افزایش یافته و جلوه تازه‌ای به خود بگیرد. در همین راستا است که کارکرد پلیس چه از نظر فردی و چه جمعی، تصویر ذهنی و انتظارات مردم از پلیس را شکل می‌دهد.

در عصری که زندگی می‌کنیم، با تحولات زیادی در عرصه‌های مختلف مواجه هستیم که پیامدهای متنوع این تحولات بر چگونگی کارکرد سازمان پلیس تأثیر زیادی دارد. از جمله پیامدهای این تحولات، تغییرات در سبک و رویکرد مدیریتی حاکم بر نظام پلیس است. همان‌طور که گفته شد، با بررسی اجمالی در ادبیات مکتوب امور پلیسی، مشخص می‌شود که دو رویکرد مهم در مدیریت امور پلیسی وجود دارد که عبارت‌اند از: رویکرد سنتی و رویکرد جامعه‌محوری. به عبارت دیگر، رویکرد سنتی، عملکرد و مدیریت پلیس را واکنشی و رویکرد جامعه‌محور، مدیریت پلیس را در راستای بازدارندگی (پیشگیری از جرم) ترسیم می‌کند. در محیط پلیس سنتی، حضور و ارتباط پلیس با مردم کم‌رنگ است، در این رویکرد، پلیس فقط در واکنش به رویدادها یا در پاسخ به نیاز و درخواست مردم فعال است. به عبارت دیگر، افراد پلیس در قرارگاه‌های خود مستقرند و منتظر تماس مردم هستند تا اقدام کنند.

در رویکرد پلیس جامعه‌محور، بر خلاف امور پلیسی سنتی که مأمور پلیس بر اساس سلسله مراتب و دستورالعمل اجرایی اقدام می‌کرد، هرگونه اقدام امور پلیسی بر توانمندی‌های زیادی در ابعاد مختلف بستگی دارد، از جمله توانایی در حل مشکل در جامعه. در چنین وضعیتی از مأموران پلیس انتظار می‌رود که کمتر واکنشی و انفعالی عمل کنند تا پیشرو و اثرگذار باشند و با استفاده از راهبردهای حل مشکل و جامعه‌محوری، برای پیش‌گیری از جرم و بی‌نظمی اقدام کنند.

در رویکرد پلیس جامعه‌محور بر مواردی از قبیل؛ عدم تمرکز، توسعه صمیمانه روابط پلیس و مردم از طریق مشارکت اجتماعی و همکاری همه‌جانبه مردم و پلیس تأکید می‌شود. در این رویکرد، مأموران با کمک جامعه کار می‌کنند و به صورت فعال، هدفمند و مؤثر، یافتن پاسخ برای مشکلات اجتماعی را مدنظر دارند. مأموران پلیس در فضای حاکمیت پلیس جامعه‌محور باید برای شناخت مشکلات و یافتن راه حل‌های مناسب برای آنها، مردم را در جهت تشریک مساعی و همکاری با یکدیگر بسیج کنند.



مشارکت‌جویی و حل مشکل، اصول کلی و فرهنگ پلیس جامعه‌محور از طریق روابط فردی و حرفه‌ای، پلیس، شهروندان و مراکز و مؤسسات دولتی و خصوصی را راهنمایی و تقویت می‌کند تا با همکاری در جهت پیش‌گیری از جرم و بی‌نظمی و از میان بردن ترس از وقوع جرم، کیفیت زندگی خود را بهبود بخشند. همان‌طور که اشاره شد، راهبرد رویکرد مدیریت پلیس جامعه‌محور مبتنی بر تعامل متقابل و همه‌جانبه پلیس و مردم است. یکی از چالش‌ها، مشکلات و موانع جدی بر سر راه تحقق رویکرد پلیس جامعه‌محور در ایران، نحوه رفتار مأموران پلیس با مردم است، به ویژه مأمورانی که چهره به چهره و روزانه با مردم در ارتباط هستند. یکی از الزامات مهم در تعامل پلیس با مردم در راستای عملیاتی ساختن رویکرد پلیس جامعه‌محور، ارتباطات و روابط میان فردی با قشرهای مختلف جامعه است، بنابراین تا وقتی این کاستی‌ها، اصلاح و بهبود نیابد، تحقق این رویکرد در ایران امکان‌پذیر نبوده و با مشکلات عدیده‌ای نیز روبه‌رو خواهد شد. یکی دیگر از چالش‌ها و مشکلات پلیس ایران، فقدان شناخت هدفمند و جامع از جامعه و مردم است و در مقابل، مردم نیز به جایگاه و حساسیت مأموریت‌ها و اقدامات پلیس کمتر واقف هستند. به طور طبیعی در چنین شرایطی کار کردن در راستای برقراری نظم و امنیت با استفاده از رویکرد پلیس جامعه‌محور مشکل خواهد بود. ابتدا باید عوامل تأثیرگذار بر روند پلیس جامعه‌محور را شناخت، در چنین شرایطی می‌توان انتظار داشت که رویکرد پلیس جامعه‌محور در کشورمان مورد توجه قرار گرفته و عملیاتی شود. برای تحقق این رویکرد همچنین باید محیط درونی و بیرونی، چالش‌ها، موانع و مشکلات موجود بر سر راه این رویکرد را نیز شناخت. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و تبیین شاخص‌های انتظارات حاکمیت از پلیس و ارتباطات آن با رویکرد پلیس جامعه‌محور است. بنابراین در این پژوهش به دنبال تعیین شاخص‌های انتظارات حاکمیت از پلیس و رابطه آن با رویکرد پلیس جامعه‌محور هستیم.

پیشینه تحقیق

در تحقیقاتی که در داخل ایران به عمل آمده، به طور عمده به برخی از مؤلفه‌ها و متغیرهایی که به طور مستقیم و غیر مستقیم با موضوع پژوهش در ارتباط است، پرداخته شده است. از جمله؛ تحقیقی که توسط بهاری (1386) تحت عنوان «تعامل پلیس و مدارس (بررسی موردی

دبیرستان‌های پسرانه شمال شرق تهران)» با هدف جلب اعتماد مردم و ایجاد رضایت‌مندی در آنها انجام گرفته است و هدف اصلی آن بررسی تعامل پلیس و دانش‌آموزان و نقش آن در کاهش جرایم دانش‌آموزی است. بر پایه نتایج این تحقیق، بین تعامل پلیس با مدارس و کاهش جرایم، رابطه معناداری وجود دارد.

صالحی تویسرکانی (1385) نیز تحقیقی تحت عنوان «جلب مشارکت‌های مردمی در کلانتری‌ها و موانع و مشکلات پیش‌روی (بررسی موردی کلانتری‌های شمال شرق تهران)» انجام داده است. سؤال اصلی این تحقیق عبارت است از اینکه، مشکلات و موانع پیش‌روی مشارکت با کلانتری‌ها و اولویت‌بندی آنها چیست؟ وی در پایان به این نتیجه رسید که آموزش کارکنان، منابع و امکانات و آموزش همگانی به ترتیب موانع اصلی مشارکت مردم با کلانتری‌ها هستند.

تقی‌زاده (1384) در تحقیق دیگری به بررسی تأثیر نگرهبان محله در کاهش ترس از جرم مردم تهران بزرگ پرداخت و عنوان کرد که از بین متغیرهای احساس امنیت، اقدامات بازدارنده، قربانی شدن قبلی و حضور نگرهبان محله، با ترس از جرم رابطه معناداری گزارش شده است و بین فقدان رفتارهای مدنی و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود نداشته است.

رضایی (1386) نیز در بررسی تأثیر مراکز نظارت همگانی ناجا در اعتمادسازی بین پلیس و مردم نشان داد که ضریب اعتماد اجتماعی به پلیس رو به افزایش بوده و نقش نظارت در پاسخ‌گویی مردم می‌تواند در افزایش ضریب تأثیر اجتماعی پلیس مؤثر باشد.

پورمؤذن (1383) در تحقیق خود تحت عنوان «بررسی رابطه نقش اجتماعی پلیس و احساس امنیت خانواده‌های ساکن در شمال تهران بزرگ»، کاربرد نقش اجتماعی پلیس در نظریه مدل جدید اداره امور پلیس با محوریت جامعه و نقش آن در تعیین و تغییر کارکردهای پلیس و تأثیر بی‌شائبه آن بر احساس امنیت نهاد خانواده را مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت که بین نقش اجتماعی پلیس و احساس امنیت خانواده‌ها ارتباط وجود دارد.

رنجبر (1384) در تحقیقی به منظور سنجش اعتبار اجتماعی پلیس (در بین شهروندان تهران بزرگ)، نشان داد که طرز برخورد پلیس با مردم، حضور پلیس در سطح جامعه (اقتدار پلیس)، تعامل با پلیس، آراستگی ظاهری پلیس، برخورد پلیس با معضلات خیابانی (کارایی)، احساس



امنیت در مردم (امنیت اجتماعی)، ارزیابی کلی از وظایف پلیس (هویت مدنی سازمان پلیس) و درست‌کاری پلیس، ابعاد هشت‌گانه اعتبار اجتماعی پلیس در جامعه هستند.

مبانی نظری تحقیق

پلیس: پلیس عبارت است از، یک عامل ذخیره یا هماهنگ کننده منابع اجتماعی. پلیس، حلال مسائل اضطراری است و حق دارد در راه حل مسائل مردم در دوران صلح و در حوزه داخلی از منابع قانونی بهره بگیرد (وونگ، 2008: 8).

پلیس جامعه‌محور: به گفته سیگریو² (1996: 1)، اگرچه موضوع اداره امور پلیس جامعه‌گرا برای مدت در حدود ده سال مورد علاقه دانشگاهیان بوده است، اما هنوز هم در مورد ماهیت آن بحث و سردرگمی وجود دارد. هم دانشگاهیان و هم مجریان، رضایت داده‌اند که آن را یک مفهوم غیر ملموس، سیال و مبهم تلقی کنند و در نتیجه نتوانسته‌اند به یک تعریف مشترک از آن دست پیدا کنند.

با این حال برخی از اندیشمندان تعاریفی از پلیس جامعه‌محور را ارائه کرده‌اند، به عنوان مثال به زعم ونگ (2008: 9)، پلیس جامعه‌محور یعنی؛ اعتقاد یا قصد پلیس مبنی بر مشورت با مردم یا حساب کردن روی مردم در امور پلیسی، اعم از تعیین مسائل، ارزیابی و عملیات و پذیرش ضرورت همکاری با پلیس از سوی مردم در امور شناسایی و حل مسائل محلی.

پیل (1829) نیز تعریفی نزدیک به این مفهوم دارد، او عنوان می‌کند که پلیس باید تمایل به همکاری با مردم را در جریان اجرای داوطلبانه قوانین و حفظ احترام عمومی حفظ و تعیین کند. پلیس، یعنی مردم و مردم، یعنی پلیس. پلیس جزیی از مردم است با این تفاوت که تمام وقت خود را صرف حل مشکلات مردم و شهروندان می‌کند و در مقابل، حقوق دریافت می‌کند. در محیط پلیس جامعه‌محور دو نگاه وجود دارد، یک نگاه فلسفی و یک نگاه راهبردی. از نگاه فلسفی، پلیس جامعه‌محور عبارت است از؛ فلسفه‌ای جدید بر اساس این مفهوم که افسران پلیس و شهروندان با هم و در مسیرهایی خلاق کار می‌کنند که در نهایت بتوانند مشکلات کنونی جامعه را در ارتباط با جرایم، ترس از جرم،

1 - Wong

2 - Seagrave

ناهنجاری‌های اجتماعی و فیزیکی و تضعیف روابط شهروندی و همسایگی را مرتفع سازند و در نگاه راهبردی به پلیس جامعه‌محور، بر روابط متنوع و نزدیک حاکم بر پلیس گروهی، گشت‌زنی پیاده و جلوگیری از جرم و روابط عمومی پلیس تاکید می‌شود و در شرح آن آورده‌اند؛ تعریف روابط انسانی، خدمات پلیس مبتنی بر دوستی با مردم و حساسیت نسبت به جامعه، مشورت با مردم در خصوص نیازهای جوامع، احترام به حقوق بشر، حساسیت فرهنگی، حفظ تماس سازنده با اعضای جامعه، تدوین سازوکارهای تسهیل اتکاء به پلیس و شفافیت امور پلیسی و کمک به پلیس در امر اجرای قانون (ونگ و کام، 2008: 4-5).

باید درک کنیم که مردم چگونه به ماهیت جرم و نقش پلیس نگاه می‌کنند. جرم از نظر دولت، تخلف و عدول از قانون است و از نظر مردم، مجموعه‌ای از تجربیات زندگی و مشکلات چند بُعدی شخصی است. از نگاه دولت‌ها، نیروی پلیس یک منبع سیاسی برای تضمین واپایش حفظ نظم و اطاعت از قوانین از سوی عموم مردم تلقی می‌شود و در تعریف آن به نیرویی اشاره شده که مسائل را حل می‌کند، ساختار قانونی دارد و از سازماندهی بروکراتیک برخوردار است.

انتظارات حاکمیت از پلیس جامعه‌محور: رابطه موجود میان پلیس و جامعه در امور پلیس جامعه‌محور باید دوسویه باشد، یعنی از سمت پلیس به جامعه و از سمت جامعه به پلیس، اگرچه در بافت‌های سیاسی و آشوبگر، امور پلیسی جامعه‌محور در واقع، وسیله‌ای برای واپایش اجتماعی به حساب می‌آید تا مشارکت اجتماعی. یعنی امور پلیسی جامعه می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای مدیریت عموم در نظر گرفته شود تا تقسیم وظایف با آنها، بنابراین می‌توان گفت که موفقیت امور پلیسی جامعه‌محور تا حد زیادی بستگی به شخصیت سیاسی حکومت‌ها و از آن مهم‌تر، میزان تعهد آنها به آن دارد. در واقع، توسعه امور پلیسی جامعه‌محور در محیط‌های سیاسی غیر دموکراتیک، تبدیل به امری دشوار خواهد شد (دیوید، 2005: 24).

ممکن است بعضی از مقامات دولتی با انگیزه‌های سیاسی از پلیس بخواهند که به طور گزینشی، بعضی از قوانین را اعمال و از اجرای برخی دیگر چشم‌پوشی کند، در این صورت یک پلیس اخلاقی نه تنها مرتکب اقدام غیر اصولی و نابه‌جا نمی‌شود، بلکه با



احساس مسوولیت مضاعف، سعی می‌کند در عمل، دیگران را تحت تأثیر قرار دهد (میس و اورتمایر، 1385: 58).

در شرایطی که تدابیر، نظام‌های مدیریتی و سازوکارهای عملیاتی، دستخوش تحول و تغییر هستند، شاید سخن گفتن از وجود مبانی ثابت و تغییر ناپذیر، در ابتدا چندان پذیرفتنی و جدی به نظر نرسد، اما رابرت پیل بنیانگذار پلیس جدید در سال 1829 و در زمان تأسیس پلیس کلان شهر لندن، اصول نه‌گانه‌ای را به عنوان زیربنای خدمت پلیس بنیان نهاد که اکنون پس از گذشت سال‌های متمادی و تحول جوامع و تغییر رویکردهای پلیسی و فراگیر شدن پلیس جامعه‌محور، هنوز هم نه تنها اعتبار اولیه خود را از دست نداده، بلکه از اعتبار بیشتری برخوردار شده است. او اصول خود را چنین بیان می‌دارد: «فلسفه وجودی پلیس در جامعه آن است که با پیشگیری از وقوع جرم و بی‌نظمی، دلیلی برای برخورد قهرآمیز پلیسی و اعمال مقررات خشک کیفری، باقی نگذارد» (میس و اورتمایر، 1385: 22-23).

قدرت پلیسی برای انجام وظیفه محوله، منوط به آن است که عامه مردم با میل و رغبت، حضور، عملکرد و رفتار آنها را بپذیرند و آنها نیز در مقابل بتوانند رعایت حقوق و حرمت عمومی را تضمین کنند. پلیس برای تضمین حرمت عمومی و حفظ و تداوم آن، باید به گونه‌ای رفتار کند که مردم با اطمینان خاطر، قانون را محترم شمرده و به آن عمل کنند. به هر مقدار که اعتماد عمومی نسبت به پلیس جلب شود، به همان نسبت از ضرورت توسل پلیس به اجبار و زور برای نیل به اهداف، کاسته خواهد شد.

جلب و حفظ رضایت مردم نباید با تن دادن به خواسته‌های شخصی آنان، بلکه با اقداماتی مانند؛ اجرای قاطعانه، بی‌طرفانه و مستمر قانون، نداشتن گرایش به جناح‌های سیاسی، توجه نکردن به منصفانه و یا غیر منصفانه بودن محتوای قوانین، آمادگی برای ارائه خدمت فردی و دوستانه به آحاد مردم، صرف نظر از نژاد و یا جایگاه اجتماعی آنان، التزام به خوش خلقی و رعایت ادب و نزاکت، ابراز فداکاری و از خود گذشتگی در مقام حفظ جان و دفاع از آنان به دست آید (میس و اورتمایر، 1385: 24).

استفاده از قوه قهریه در حد ضرورت، تنها در صورتی مجاز است که پلیس برای اجرای قانون و اعاده نظم، نتواند افراد را مجاب کند و نصیحت و اخطار نیز کارساز

نباشد، البته در هر شرایطی، اعمال قدرت از طرف پلیس، تنها در حد رفع ضرورت و در کمترین مقدار لازم، مجاز خواهد بود.

ارتباط پلیس و جامعه باید همواره به گونه‌ای باشد که این باور تاریخی که مردم و پلیس حقیقتی واحد و لازم و ملزوم یکدیگر هستند را عینیت بخشد، به عبارتی، افراد پلیس تنها عضوی از جامعه هستند که در ازای دریافت وجه، مکلفند تمام توان خود را مصروف انجام وظایفی کنند که در حقیقت، انجام آن وظایف به عهده همه افراد اجتماع و ضامن سعادت و رفاه آنها است (میس و اورتمایر، 1385: 24).

در اواسط دهه 1990، راهبردهای پلیس جامعه‌محور که توسط پلیس لوس‌آنجلس پیاده‌سازی شده بود، توسط تعدادی از ایالت‌های امریکا و کشورهای اروپایی به عنوان الگو پذیرفته شد. کشورهای آلمان و فرانسه نیز پلیس‌های جامعه‌محور خود را بر اساس همین الگو پی‌ریزی کردند و شهر پاریس، طرح مأموران گشتی خود را بر اساس الگوی افسران ارشد راهنما که منسوب به پلیس لوس‌آنجلس است، ساماندهی کرده است تا با ایجاد اتحاد و مشارکت بین پلیس و جامعه، نگرانی‌های مربوط به جرم و بی‌نظمی را شناسایی و رفع کند. بر خلاف مقاومت‌هایی که در داخل و خارج سازمان در مقابل پیاده‌سازی پلیس جامعه‌محور ابراز می‌شود، این طرح در حال توسعه است. در حالی که پلیس جامعه‌محور برای رفع علل جرم و بی‌نظمی اجتماعی و ترس ناشی از آنها تلاش می‌کند، تعداد بیشتری از واحدهای پلیسی با کنار گذاشتن شیوه واکنشی سنتی، شیوه پلیس جامعه‌محور که مبتنی بر رهبری، مشارکت و حل مشکل است را برای پیشبرد امنیت عمومی انتخاب کرده و به سوی آن گرایش نشان داده‌اند (میس و اورتمایر، 1385: 473). اجرای امور رویکرد پلیسی جامعه‌محور که به واسطه ایجاد روابط مؤثر بین جامعه و پلیس از طریق همکاری و مشارکت اجتماعی اعمال می‌شود، حول محورهای زیر انجام می‌گیرد:

الف) همکاری بین پلیس و شهروندان برای دادن پاسخ متقابل به مشکلات و اطرافیان؛

ب) شهروند به‌عنوان بازوی عمل (کننده برای پلیس)؛

ج) تخصص مأموران (پلیس در این رویکرد)؛



د) توجه به عوامل ایجاد جرم و بی‌نظمی؛

ح) استفاده از راهکارهای مختلف و مؤثر (در این تعامل)؛

و) تمرکز زدایی خدمات پلیس؛

ز) افزایش اقتدار و مسئولیت‌های مأموران پلیس (اتکینسون، 1385: 12).

اقدامات پلیس در قرن بیست و یکم با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است. امروزه وظایف پلیس به شدت پیچیده شده، با این وجود الگوی پلیس سنتی کماکان تحکم‌آمیز و شبه نظامی باقی مانده است. این الگو خواستار پیش‌بینی عملکرد است و تصور می‌کند مأموران پلیس توان تصمیم‌گیری مستقل ندارند، به آموزش تجویزی معتقد است و در صحنه عمل نیز به شدت اعمال نظارت می‌کند (میس و اورتمایر، 1385: 392).

اصول کلی پلیس جامعه‌محور با تجدید نظر در رسالت پلیس، به بررسی این مطلب می‌پردازد که مسئول تأمین و حفظ آرامش و امنیت عمومی کیست؟ نقش و ارتباط پلیس و جامعه را دوباره تعریف می‌کند، تلاش‌ها و اقدامات مبتنی بر جامعه را تقویت می‌کند و میزان اعتماد متقابل را ارتقاء می‌دهد. راهبرد پلیس جامعه‌محور، برنامه‌ای اجرایی است که مشارکت‌جویی و روحیه حل مشکل را ارتقاء می‌دهد (میس و اورتمایر، 1385: 396).

پلیس در کشور ما تا بیش از یک دهه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همچنان با الگو و ساختاری که قبل از انقلاب شکل گرفته بود، ادامه حیات داد. البته ممکن است صورت‌های ظاهری تفاوت‌هایی کرده و باورهای جدیدی به فرهنگ سازمانی اضافه شده باشد، اما در ساختار و شاکله پلیس، تغییر اساسی به‌وجود نیامده بود. اما پس از ادغام نیروهای کمیته انقلاب اسلامی، ژاندارمری و شهربانی و تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با ساختار جدید، در واقع اساس تشکیل این سازمان در دست‌یابی به شعار رسیدن انقلاب به دروازه پلیس ایران به‌صورت واقعی و ساختاری، نه به شکل شعاری، ظاهری و صوری بود. امروز نیروی انتظامی ما در مرحله جدیدی قرار دارد و باید مظهر سه خصوصیت مهم باشد؛ اول، دیانت و آن‌چه که ناشی از دیانت است؛ مثل عفت و اخلاق نیک و اخلاق اسلامی. دوم، اقتدار است و باورهای سنگینی را بر دوش دارد؛ به

همین خاطر باید قدرت را با عوامل مادی و معنوی آن در خود حفظ کند. سوم، هوشیاری و هوشمندی است، خاصیت نیروی نظامی و انتظامی، همین هوشیاری و هوشمندی است. نیروهای انتظامی باید این سه خصوصیت؛ ایمان، اقتدار و هوشیاری را به طور روزافزون در خود ایجاد کنند، مردم نیز باید به چشم برادران حافظ نظم و امنیت به آنها نگاه کنند (خامنه‌ای، 1377: 257).

مقام معظم رهبری در خصوص ویژگی‌های پلیس بیان می‌دارند؛ «وقتی مردم پلیس را می‌بینند باید احساس محبت و آرامش کنند. البته امروز وضعیت نیروهای انتظامی ما با دوران گذشته، از زمین تا آسمان تفاوت کرده است. امروز نیروهای انتظامی با مردم و در کنار مردم و پشت سر آنها هستند. هر چه می‌توانید، این روحیه را در خودتان تقویت کنید که شما برای مردم هستید. فلسفه وجودی نیروهای انتظامی این است که بتوانند برای آسایش مردم و آرامش محیط زندگی آنها، نظم برقرار کنند. مواظب باشید مردم دچار ناراحتی نشوند. نیروی‌های انتظامی که دائماً با مردم سروکار دارند، می‌توانند هم مظهر عطوفت و محبت نظام باشند و هم مظهر تدبیر و مدیریت آن، این دو عامل را در کنار هم رعایت کنید. حرکات و تصرفات شما هم باید نشان‌دهنده عقل و تدبیر و مدیریت نظام باشد» (خامنه‌ای، 1385: 17-19).

توجه به دو رویکرد اساسی انسان‌محوری (رویکرد درون سازمانی) و جامعه‌محوری (رویکرد برون سازمانی) از مسائل اساسی ناجا است. در دوران پس از انقلاب، نیروهای انتظامی فراز و فرودهای زیادی را پشت سر گذاشته و همواره در بوته آزمایش قرار گرفته‌اند. مدیریت پلیس ایران تلاش زیادی را متحمل شده تا پلیس را با شرایط جدید و همگام با تغییر و تحولات داخلی و خارجی به‌روز کند. تا آنجایی که می‌توان به طور نسبی بهبود روابط متقابل پلیس و مردم را مشاهده کرد و روز به روز اهمیت و جایگاه بی‌بدیل پلیس در جامعه، نمود ویژه‌ای پیدا می‌کند.

احمدی‌مقدم (1386) اظهار می‌دارد؛ اثبات کارآمدی نظام از طریق توسعه نظم و امنیت، هدف نیروی انتظامی است. پلیس در کشور ما باید پلیس ایمانی باشد، پلیس حرفه‌ای در ناجا یعنی؛ پلیس اجتماعی، فهیم، با ایمان و بصیر و توجه به حرفه‌ای شدن پلیس، کسب مهارت در انجام وظیفه، اجرای عدالت و کسب مهارت در تعامل و رفتار با مردم، از اهداف و برنامه‌های اساسی ناجا است (ص 10 و 168).



فرضیه تحقیق

فرضیه تحقیق حاضر عبارت است از اینکه؛ به نظر می‌رسد بین انتظارات حاکمیت از پلیس با رویکرد جامعه‌محوری رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از حیث هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی - تحلیلی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این تحقیق شامل مدیران و فرماندهان عالی نیروی انتظامی در سراسر کشور در دو بخش مشاغل ستادی و صفی است. برای نمونه‌گیری از روش تصادفی ساده استفاده شده و حجم نمونه مورد مطالعه شامل 115 نفر است که براساس جدول نمونه‌گیری جرسی و مورگان تعیین شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات در حوزه مبانی نظری و ادبیات موضوع از روش مطالعات کتابخانه‌ای و به‌منظور تدوین و اندازه‌گیری شاخص‌های انتظارات حاکمیت از پلیس با رویکرد جامعه‌محوری از روش میدانی استفاده شده است. همچنین برای گردآوری اطلاعات از ابزارهایی مانند؛ فیش‌برداری، جداول استخراج آمارهای مورد نیاز، یادداشت‌برداری، مصاحبه و پرسش‌نامه استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات میدانی در این تحقیق، پرسش‌نامه بوده است. برای اینکه ابزار تحقیق از روایی (اعتبار) لازم برخوردار باشد، مراحل زیر انجام شد:

- برای این که اعتبار محتوای پرسش‌نامه افزایش یابد، تلاش شده است تا پرسش‌نامه با توجه به مبانی نظری و سوابق تجربی تحقیق و سوابق تجربی محقق و نتایج مصاحبه‌ها طراحی شود؛
- قبل از توزیع پرسش‌نامه از راهنمایی‌های اساتید راهنما و مشاور، همچنین سایر محققان و متخصصانی که در این خصوص اطلاعاتی داشته‌اند، استفاده شده است.
- پیش‌آزمون با توزیع پرسش‌نامه اولیه بین بیست نفر از جامعه آماری مورد نظر انجام شد و اصلاحات لازم صورت پذیرفت.
- سطح پایایی ابزار تحقیق نیز با استفاده از آلفای کرونباخ به میزان 86/85 تعیین شده است.

یافته‌های تحقیق

الف: یافته‌های توصیفی: براساس داده‌های جدول شماره یک، ارتقای احساس امنیت عمومی با 4/72، اجرای یکسان قانون برای همه با 4/68 و مدیریت درست بحران‌ها با 4/67، از نظر پاسخگویان شاخص‌هایی با میانگین بالا برای انتظارات حاکمیت از پلیس بوده است. پایین‌ترین میانگین به شاخص، ارتباطات میان فردی در جامعه با 4/49 مربوط می‌شود. همچنین داده‌ها نشان می‌دهد که سطح معناداری کلیه شاخص‌های متغیر انتظارات حاکمیت از پلیس مورد تأیید قرار گرفته است.

جدول 1: توزیع و درصد فراوانی، میانگین، انحراف معیار، مقدار T، کران بالا، کران پایین و سطح معناداری مربوط به شاخص‌های انتظارات حاکمیت از پلیس.

سطح معناداری	مقدار T	انحراف معیار	میانگین	n	فراوانی					شاخص‌های مورد بررسی
					درصد فراوانی					
					خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
0/000	28/97	0/579	4/56	115	69	43	1	-	2	برقراری نظم
				100	60	37/4	0/9	-	1/7	
0/000	25/13	0/675	4/58	115	76	33	3	-	3	ایجاد امنیت عمومی
				100	66/1	28/7	2/6	-	2/6	
0/000	21/66	0/753	4/52	115	73	34	5	-	3	مظهر اقتدار ملی بودن
				100	63/5	29/6	4/3	-	2/6	
0/000	34/26	0/538	4/72	115	87	26	2	-	2	ارتقای احساس امنیت عمومی
				100	73/9	22/6	1/7	-	1/7	
0/000	30/26	0/597	4/68	115	85	26	2	-	2	اجرای یکسان قانون برای همه
				100	73/9	22/6	1/7	-	1/7	
0/000	24/78	0/666	4/53	115	70	40	3	-	2	پلیس نماد مدیریت نظام ج ۱۱
				100	60/9	34/8	3/6	-	1/7	
0/000	30/91	0/567	4/63	115	77	35	1	-	2	پیشگیری از وقوع جرایم
				100	67	30/4	0/9	-	1/7	
0/000	26/92	0/6333	4/59	115	75	35	2	-	3	واپایش جرایم
				100	65/2	30/4	1/7	-	2/6	
0/000	32/42	0/554	4/67	115	82	30	1	-	2	مدیریت درست

				100	71/3	26/1	0/9	-	1/7	بحران
0/000	26/82	0/597	4/49	115	62	49	1	-	3	ارتباطات میان
				100	53/9	42/6	0/9	-	2/6	فردی در جامعه
0/000	27/66	0/596	4/53	115	67	44	1	-	3	انتظار حاکمیت از
				100	58/4	38/3	0/9	-	2/6	پلیس با رویکرد جامعه‌محوری

ب) یافته‌های تحلیلی: به منظور بررسی نرمال بودن متغیر و شاخص‌های مربوطه، از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف بهره گرفته شده است، در این آزمون فرض صفر بیان‌گر نرمال بودن توزیع مورد نظر و فرض مخالف، بیان‌گر نرمال بودن توزیع مربوط است. نتایج حاصل از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف در قالب دو جدول زیر آمده است. تحلیل و بررسی نرمال بودن متغیر: فرضیه؛ H_0 : توزیع متغیر نرمال نیست، H_1 : توزیع متغیر نرمال است.

جدول 2: نتایج حاصل از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف، متغیر انتظارات حاکمیت از پلیس.

میزان خطا	سطح معناداری	آمار کولموگروف - اسمیرنوف	فرضیه
0/05	0/000	2/51	انتظارات حاکمیت از پلیس

بر اساس جدول شماره دو، چون سطح معناداری (0/000) در توزیع مؤلفه از میزان خطای (0/05) کمتر است، در سطح اطمینان 95 درصد می‌توان گفت که فرض H_0 مبنی بر نرمال نبودن مؤلفه مورد قبول واقع نمی‌شود و فرض H_1 مبنی بر نرمال بودن مؤلفه، پذیرفته می‌شود.

بررسی نرمال بودن شاخص‌های انتظارات حاکمیت از پلیس:

$$\left\{ \begin{array}{l} \text{توزیع شاخص‌ها نرمال نیست: } H_0 \\ \text{توزیع شاخص‌ها نرمال است: } H_1 \end{array} \right.$$

نتایج حاصل از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف حاکی از آن است که سطح معناداری شاخص‌های انتظارات حاکمیت از پلیس که عبارت‌اند از؛ برقراری نظم، ایجاد امنیت عمومی، مظهر اقتدار ملی بودن، ارتقای احساس امنیت عمومی، اجرای یکسان قانون

برای همه، پلیس نماد مدیریت نظام ج.ا.ا، پیشگیری از وقوع جرایم، واپایش جرایم، مدیریت درست بحران‌ها و ارتباطات میان فردی در جامعه، بیش از 95 درصد مورد تأیید قرار گرفته است.

همچنین براساس جدول شماره دو، چون سطح معناداری (0/000) در توزیع شاخص‌ها از میزان خطای (0/05) کمتر است، بنابراین با اطمینان 95 درصد می‌توان گفت که فرض H_0 مبنی بر نرمال نبودن توزیع، رد می‌شود و فرض H_1 مبنی بر نرمال بودن توزیع، پذیرفته می‌شود، یعنی شاخص‌ها از توزیع نرمال برخوردار هستند. لازم به ذکر است که چون توزیع نرمال است از آزمون‌های پارامتریک استفاده شده است.

بین انتظارات حاکمیت و رویکرد پلیس جامعه‌محور رابطه معنی‌داری وجود ندارد: H_0
 بین انتظارات حاکمیت و رویکرد پلیس جامعه‌محور رابطه معنی‌داری وجود دارد: H_1
 برای بررسی فرضیه از آزمون همبستگی پیرسون و ضریب کندال تا اوبی استفاده شده و نتایج به شرح جدول شماره سه به دست آمده است.

جدول 3: ارتباط بین انتظارات حاکمیت از پلیس با رویکرد پلیس جامعه‌محور

رویکرد پلیس جامعه‌محور					
پلیس انتظارات حاکمیت از	فراوانی	ضریب پیرسون	ضریب تشخیص	کندال تا اوبی	سطح معناداری
		115	0/657	0/431	0/552

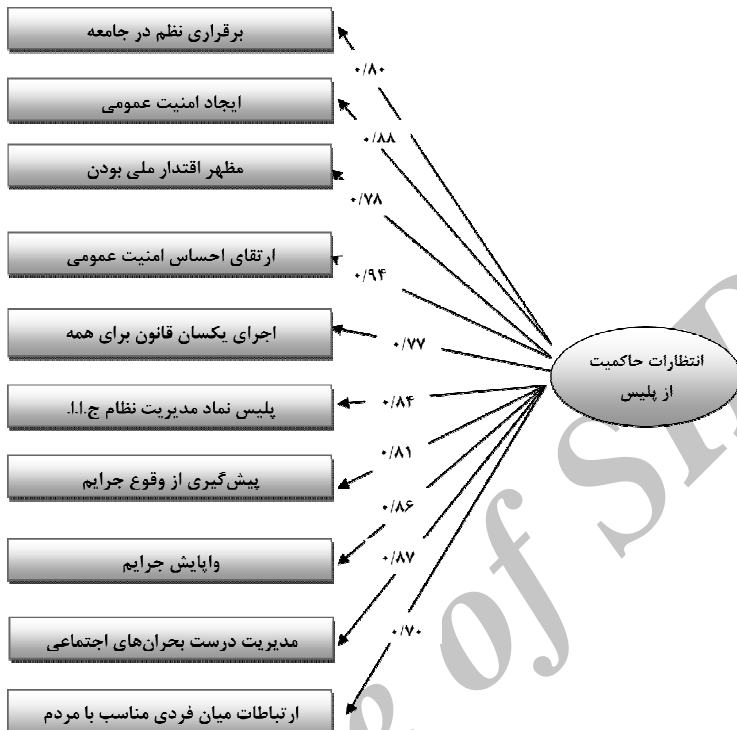
با توجه به اینکه سطح معناداری (0/000) کوچک‌تر از (0/05) است، فرض H_0 با اطمینان 95 درصد رد و فرض H_1 پذیرفته می‌شود و مقدار ضریب پیرسون، 0/657 است ($0 < 0/657 < 1$). بنابراین می‌توان گفت که بین دو متغیر انتظارات حاکمیت و پلیس جامعه‌محور رابطه مستقیم و ناقص وجود دارد، با توجه به این که مقدار ضریب کندال تا اوبی (0/552) از 0/2 بزرگ‌تر است، می‌توان گفت که بین دو متغیر رابطه وجود دارد.



شاخص‌های عامل انتظارات حاکمیت از پلیس: نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای شاخص‌های مربوط به انتظارات حاکمیت از پلیس در جدول شماره چهار نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، تمامی شاخص‌ها دارای بار عاملی بالایی با عامل مربوط می‌باشند و مورد تأیید قرار گرفته‌اند. در این میان، شاخص «ارتقای احساس امنیت عمومی» با بار عاملی 0/94 دارای بیشترین تأثیر روی عامل مربوط بوده است.

جدول 4: نتایج تحلیل عاملی تأییدی شاخص‌های مربوط به انتظارات حاکمیت از پلیس

بار عاملی	خطای استاندارد	آماره T	سطح معناداری	شاخص‌های انتظارات حاکمیت از پلیس
0/80	0/36	10/20	0/00	برقراری نظم در جامعه
0/88	0/23	11/89	0/00	ایجاد امنیت عمومی
0/78	0/39	9/86	0/00	مظهر اقتدار ملی بودن
0/94	0/11	13/38	0/00	ارتقای احساس امنیت عمومی
0/77	0/40	9/73	0/00	اجرای یکسان قانون برای همه
0/84	0/30	10/99	0/00	پلیس نماد مدیریت نظام جمهوری اسلامی
0/81	0/34	10/48	0/00	پیشگیری از وقوع جرایم
0/86	0/25	11/56	0/00	واپایش جرایم
0/87	0/24	11/70	0/00	مدیریت درست بحران‌های اجتماعی
0/70	0/51	8/54	0/00	ارتباطات میان فردی مناسب پلیس با مردم



نمودار ۱: نتایج تحلیل عاملی تأییدی شاخص‌های مربوط به انتظارات حاکمیت از پلیس

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق مؤید این است که بین انتظارات حاکمیت از پلیس و رویکرد پلیس جامعه‌محور رابطه معناداری وجود دارد. برای بررسی این فرضیه از آزمون همبستگی پیرسون و ضریب کندال تا اوبی استفاده شده و نتایج زیر به‌دست آمده است:

ضریب پیرسون، $0/657$ ؛ ضریب تشخیص، $0/431$ ؛ کندال تا اوبی، $0/553$ و سطح معنی‌داری $0/000$ ، بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین این دو متغیر رابطه مستقیم وجود دارد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز برای شاخص‌های مربوط به انتظارات حاکمیت از پلیس نشان می‌دهد که تمامی شاخص‌ها با عامل مربوط دارای بار عاملی بالایی هستند و مورد تأیید قرار گرفته‌اند. در این میان، شاخص «ارتقای احساس امنیت عمومی» با بار عاملی $0/94$ ، دارای بیشترین تأثیر روی عامل مربوط بوده است. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که بین انتظارات حاکمیت از پلیس با رویکرد پلیس جامعه‌محور ارتباط



معنی‌داری وجود دارد و بر آن نیز تأثیرگذار است. همچنین نتایج حاکی از آن است که شاخص‌های؛ ارتقای احساس امنیت عمومی، اجرای یکسان قوانین توسط پلیس در جامعه و مدیریت درست بحران‌های اجتماعی از نظر پاسخ‌گویان بیش از 74 درصد در سطح خیلی‌زیاد ارزیابی شده و سطح معناداری این شاخص‌ها و سایر شاخص‌های مربوط به انتظارات حاکمیت از پلیس نیز مورد تایید قرار گرفته است.

نتایج این پژوهش نشان داد که مسئولیت، مدیریت و رهبری پلیس، منطبق با انتظارات حاکمیت از پلیس با رویکرد جامعه‌محوری سنگین‌تر شده و اتخاذ تدابیر جدی‌تری را می‌طلبد تا این انتظارات تحقق یابند. خاستگاه و جایگاه قانونی، اجتماعی و مردمی نیروی انتظامی به گونه‌ای است که مأموران انتظامی در جایگاه بخش وسیعی از توان مدیریتی و نماد اجرایی نظام محسوب می‌شوند. در امور مدیریت پلیس جامعه‌محور رابطه میان پلیس و جامعه باید دوسویه باشد، اگرچه در بافت‌های سیاسی آشوبگر، امور مدیریت پلیس جامعه‌محور در واقع ابزاری برای کنترل اجتماعی محسوب می‌شود تا مشارکت اجتماعی.

بنابراین می‌توان گفت که موفقیت مدیریت پلیس جامعه‌محور تا حد زیادی به رویکرد شخصیت سیاسی حاکمیت و از آن مهم‌تر میزان تعهد و پایبندی آنها به آن شخصیت سیاسی، بستگی دارد. فلسفه وجودی نیروی انتظامی آن است که رهبران پلیس با تدبیر و پیشگیری از وقوع جرم و بی‌نظمی، قادر باشد تا آسایش و آرامش مردم و جامعه را فراهم آورده و زندگی کاری و شهروندی آنها را بهبود بخشیده و توسعه دهند، به گونه‌ای که دلیلی برای بروز اقدامات و برخوردهای خشن و قهرآمیز در جامعه وجود نداشته باشد. همان‌گونه که یافته‌های پژوهش نشان داد، بار عاملی بالای شاخص‌های انتظارات حاکمیت از پلیس با رویکرد مدیریت پلیس جامعه‌محور و تأیید ارتباط معنادار این شاخص‌ها با رویکرد پلیس جامعه‌محور، حاکی از این است که مدیران و رهبران پلیس به طور خاص و مجموعه کارکنان سازمان پلیس به طور عام، باید تأثیر این شاخص‌ها در تحقق انتظارات حاکمیت در انجام مأموریت‌ها و وظایف را جدی و مهم تلقی کنند و با راهبردها و برنامه‌های عملیاتی فراگیر، گام‌های مؤثری را برداشته تا عملیاتی شدن شاخص‌های مورد نظر به ویژه شاخص پلیس نماد مدیریت نظام فراهم آید. زیرا این شاخص از جایگاه بالایی برخوردار است، به گونه‌ای که کارکردهای نیروی

انتظامی، سیاست‌ها، تصمیم‌ها و برنامه‌های آن در مدیریت جامعه و مردم و توسعه امنیت پایدار، نقش کلیدی و اساسی را ایفا می‌کند و تحقق این امر خطیر به میزان برخورداری از دانش، بینش، منش، مهارت، تخصص، بصیرت و مهم‌تر از همه پاسخگو بودن و اهتمام به مسئولیت‌های اجتماعی و ادارک درست و به موقع رهبران و مدیران سطوح عالی، میانی و عملیاتی از ماموریت‌ها و وظایف، موقعیت‌ها و شرایط اطمینان بخش، نامطمئن و شرایط ریسک و تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بستگی دارد. بنابراین باید اذعان داشت که بدون فهم و درک درست و عمیق از این مقوله، تحقق رسالت پلیس در تأمین و برآورده ساختن انتظارات حاکمیت که همان برگرفته از مطالبات مردم و آرمان‌های انقلاب اسلامی است به ثمر نخواهد نشست.

پیشنهادهای

با توجه به اینکه بر اساس یافته‌های پژوهش، رابطه انتظارات حاکمیت از پلیس با رویکرد جامعه‌محوری مورد تأیید قرار گرفته است و از طرفی نیز این رابطه در کلیه مؤلفه‌های انتظارات حاکمیت از پلیس، سطح معناداری را نشان می‌دهد، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود.

- تبیین عملکرد شاخص پلیس نماد مدیریت کشور، از طریق همایش‌های علمی و رسانه ملی با برگزاری نشست‌های تخصصی.
- آسیب‌شناسی وضع موجود سازمان پلیس به منظور ایجاد زمینه‌های مناسب برای طراحی و اجرای مهندسی مجدد فرایندهای کاری در ابعاد مختلف مأموریت‌های پلیس.
- در دستور قرار گرفتن اندیشه راهبردی در پلیس برای توسعه پایدار از طریق بازنگری و تقویت آموزش‌های لازم به کارکنان پلیس در سطوح مختلف (عالی، میانی و عملیاتی) برای اجرای دقیق قوانین و مقررات در جهت برقراری نظم و امنیت عمومی در جامعه؛
- برنامه‌ریزی پلیس برای ارتقای احساس امنیت عمومی از طریق مشارکت دادن هدفمند مردم به ویژه ساکنان محلات در مسئله‌یابی، مشکل‌شناسی و اولویت‌یابی مسائل جامعه در امور نظم و امنیت عمومی به عنوان یک راهبرد اساسی؛



- تقویت و توانمندسازی مأموران نیروی انتظامی به ویژه مامورین و روسای ایستگاه‌های پلیس در همسایگی مردم به عنوان نیروهای خط مقدم در ابعاد؛ دانش، منش و مهارت‌های مورد نیاز، به گونه‌ای که قادر باشند با برآورد و درک درست مسائل جامعه، کارایی، اثربخشی و بهره‌وری مورد انتظار حاکمیت را عملی سازند.

Archive of SID

- احمدی‌مقدم، اسماعیل (1384). «آئین فرماندهی و راهبرد انتظامی (افرا)». تهران: دفتر فرماندهی ناجا.
- احمدی‌مقدم، اسماعیل (1386). «آئین فرماندهی و راهبرد انتظامی (افرا)». تهران: دفتر فرماندهی ناجا.
- اتکینسون، آن جانسن (1385). «پلیس جامعه‌محور در مدرسه». ترجمه سروش بهرپر، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- بهاری، عباس (1386). «تعامل پلیس و مدارس (با رویکرد آگاه‌سازی) و تاثیر آن بر کاهش جرایم (بررسی موردی دبیرستان‌های پسرانه شمال شرق تهران)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم انتظامی، دانشکده فرماندهی و ستاد.
- پور مؤذن، علی محمد (1383). «بررسی رابطه نقش اجتماعی پلیس و احساس امنیت خانواده‌های ساکن در شمال تهران بزرگ». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم انتظامی، دانشکده فرماندهی و ستاد.
- تقی‌زاده، محمود (1384). «تأثیر نگهداری محله در کاهش ترس از جرم مردم (تهران بزرگ در محلات دارای نگهداری محله)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم انتظامی، دانشکده فرماندهی و ستاد.
- خامنه‌ای، سید علی (1377). «حدیث ولایت». دفتر مقام معظم رهبری (مدظله)، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات.
- خامنه‌ای، سید علی (1385). «تیروی انتظامی (خوشه‌های معرفت از بوستان ولایت)». تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.
- رضایی، جواد (1386). «بررسی تاثیر مراکز نظارت همگانی ناجا در اعتمادسازی بین پلیس و مردم (دفتر نظارت همگانی تهران بزرگ 1385)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم انتظامی، دانشکده فرماندهی و ستاد.
- رنجبر، بهرام (1384). «سنجش اعتبار اجتماعی پلیس در بین شهروندان تهران بزرگ». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم انتظامی، دانشکده فرماندهی و ستاد.
- صالحی تویسرکانی، فضل‌الله (1385). «جلب مشارکت‌های مردمی در کلانتری‌ها و موانع و مشکلات پیش‌روی (بررسی موردی کلانتری‌های شمال شرق تهران)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم انتظامی، دانشکده فرماندهی و ستاد.
- میلر، لیندا؛ هس، کارن (1382). «پلیس در اجتماع». ترجمه محمدرضا کلهر، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی
- میس، ادوین؛ اورتمایر، پی. جی (1385). «رهبری، اصول اخلاقی و امور پلیسی، چالش‌های پیش‌روی پلیس در قرن بیست و یکم». ترجمه حسین شاکری، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.



- David H. Bayley (2005), Distinguished Professor-State University Of New York At Albany.
- Wong C. Kam (2008). A General Theory Of Community Policing. Xavier University, Cincinnati, Ohio.
- Verschaeve H. Charles (2004). Community Policing: It Simply Makes Sense. Department of Inter-disciplinary Technology.
- Seagrave, J. (1996). Defining community policing. American Journal of Police, 15(2), 1-22.

Archive of SID